

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
ساحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المئین)
*** (عنوان مراسلات) ***
طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر آذانه آقا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

جبل المئین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۵ قران
سایر بلاد داخله ۵۰ قران
روسیه و قفقاز ۱۲ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

*** (قیمت يك نسخه) ***

در طهران سه شاهی
سایر بلاد ایران یکمبای است

قیمت اعلان سطر

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامعا قبول و درانتشارش اداره آزادانت

چهارشنبه ۲۵ رجب المرجب ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۶ شهر یورما، جلائی ۱۸۲۹ و ۴ سبتمبر ۱۹۰۷ میلادی

کابینه جدید

دیروز که سه شنبه بیست و چهارم شهر رجب المرجب بود عده از وکلاء محترم مجلس شوری ملی را با جمعی از وزراء و اعیان مملکت بر بار صاحبقرانیه برای تشریف بحضور هیون اعلی احضار نموده و بدین است که عرض اصلاح حال این مملکت پریشان احوال است که عراده حیاتش مصافی باکوههای سخت شده تصور دادن ادمه از قتل جبال شامخه ممکن است و نه برداشتن و شکستن کوه خار امری سهل و آسان است هنوز خبر صحیح از انجا رسیده و معلوم نیست ترتیب و تشکیل این هیئت کابینه جدید بر چه متوال خواهد بود - آراء و اهواء نیز در این مقامات نهایت مختلف است چنانکه از مطالعه مضامین جرائد معلوم میشود لکن من میگویم اگر خیالات دور و دراز را کنار بنهیم و بعبارت صافتر برای خودمان تکوین و ترویجیم برای خیر و صلاح ملت سخن بگوئیم و مطلب بنویسیم زود گفتنیها بتمام گفته میشود و دردها علاج میگردد مثلاً در تمام بلاد عالم که امر انتخاب سروصورت صحیحی دارد از روی عده نفوس که عدل حقیقی و تساوی واقعی است مقرر میدارند و آنها که تاریخ را خوانده اند نیکو میدانند که در مملکت فرانسه نامیزان انتخاب اصنافی بود چه قدرها اختلال در عمل پیدا میشد وجه حزبها در پارلمان صاحب نفوذ و قدرت میشدند کار باید از روی میزان طبیعی باشد شغل و کار عارضی است آیا درملکی که همه مردمش مثلاً فلاح هستند و جزاین شغل شغلی دیگر ندارند عمل انتخاب ناقص خواهد ماند بواسطه نبودن سایر اصنافی ؟ در همین مملکت خود فرض کنید

در يك شهر سه نفر قاجاربه است و در يكجا ده هزار نفر يكجا اصلا قاجاربه وجود ندارد عقل باول نظر حکم اطمین میکند که اگر از هر هزار نفر آدم مثلاً بدون تفاوت یک نفر انتخاب شود خیلی بهتر و نیکوتر است از اینکه صنف پنجگونی یک نفر وکیل و صنف هزار نفری هم یکی داشته باشند - این انتخاب طهران چرا اینطور شد بملاحظه تمصیب صنفی که بعضی اصناف میخواستند و کیشان از بن خردشان انتخاب شود - باز هم با اینحال خیلیا انتخاب طبقاتی و تعریف و تمجید میکنند بلکه مخالف را بدو قصد و غرض نسبت میدهند باینکه هیچ محسناتی برای حرف خود نجسته و پیدا نکرده اند -

این جمله معترضه بود برویم سراصل مطلب تا امروز

اگر بی برده حرف بزنم مانده بخواستیم کار بکنیم

بعضی را عقیده بر آنستکه تعیین رئیس الوزراء امروز برای ما لازم نیست زیرا که هنوز مشروطیت در ایران قوامی نگرفته و استحکامی پیدا نکرده است همینکه عنان اختیار همه وزرا در دست یک نفر باشد حتی بر عزل و نصب آنها بدون سؤال و جواب قدرت داشته باشد هفت وزیر دیگر در عمل خود مستقل نخواهند بود رئیس الوزراء در کارشان مداخله خواهد نمود بلکه شاید اقدام بزلزله کند که بخواهد نموده سستی در امور آنها ظاهر خواهد شد پس بهتر چنانستکه هشت نفر وزیر هر يك در کار خود مستقل بوده و در مهام راجعه بهر وزارتخانه شخص همان وزیر با جطنی طرفی بوده او را بشناسند و در امور داخلی و نظم ولایات و زیر داخته مسئول باشد و هر کدام را هم شخص بادهه برائی و سلطت بین مجلسیان و ذات

مقدس ملوکاه معین کرد واسطه باشد و از وزراء
الترام گرفته شود که در امور یکدیگر مداخله را جایز
ندانند تا امر مسئولیت محکم شده نضج گیرد و بهانه
از برای هیچکدام نماند و یک نفر وزیر جنک مسئول
هم لازم است که بر سر دارهای جزء مسلط بود.
مسئولیت عمل نظام چه از باب بودجه و چه از سایر
جبهات بر عهده او باشد جزیه در امر باین معنای
صلاح نیست زیرا که سردارها تفصیر را برگردن
یکدیگر میکنند هر چه و مرج در امر نظام
ظاهر میشود —

بعضی دیگر را اعتقاد آنستکه رئیس از برای
هیئت وزراء لازم است اما رئیسی که مثل رئیس مجلس باشد
یعنی فقط در مجلس وزراء سمت بر تری داشته صدر
مجلس شناخته شود اما چنانکه رئیس مجلس قادر بر
عزل و نصب نیست او هم مقدر نباشد و زیریرا از شغل
خود خلع کرده کاری را بدیگری بدهد —

بعضی هم رئیس مقتدر مسلط را لازم میدانند
و میگویند بدون وجود یکصدرا عظمی مسلط امور وزارتخا
نهانظم نمیشود کسی از کسی حساب نمیبرد هر کدام در کار دیگری
مداخله کرده هر روز هم بردن شکایت را حضور همیونی
یا بمجلس اسباب اشکال است رئیس وزراء یکجاکمی
است بین آنها که هر کدام را بجای خود مینشانند و هر
کس تخطی نمود فوراً او را تبدیل میکند —

بهر حال اول کاریکه برای کابینه جدید لازم است
آنستکه بعد از تعیین بلافاصله در تمامین بلاد و ولایات کوشش
کنند زیرا که راستی در ولایات فتنه بزرگ شده در اغلب
جایها علی الذویه دکا کین و بازار را بسته هیاهو میکنند
وشت را که خیر دارید احتیاج بگفتن نیست مازندران چه
غوغا بود الان درخوی و توابع چه هنگامه است باینوضع
مملکت یک حالت (آتارشی) پیدا میکند بلکه کرده
است من میگویم امروز بهر شکل است باید در تکمین کوشید
یکجا انجمن نمیخواهند نباید اصرار کرد تا مجبوراً
دکان و بازار را بسته کنند یکجا میخواهند نباید
سخت گرفت که خیر بیندید تا لابد شده آشوب نمایند
هر کار را باید بارامی پیش برد در فرستادن و کلاء مکر
قرار نیست و کلاء ولایات به مرکز ایالت بیایند و ثانیاً انتخاب
شوند لکن چون دیدند اسباب درد سر اول کار میشود
بهمان ارسال از ولایات اکتفاء کردند حال هم بهمین
طور باید ولایات را بحسن تدبیر امن نموده فتنه شیخ
را هم باید از زاویه مقدسه قلع و قمع کرد اما بنظر من
چنان صواب است که بطهران مراجعت نکنند زیرا که
آنوقت بارامی و خاطر جمعی کم کم رخنه کرده شروع بکار

مینمایند همه کس میداند اینها چه خیالانی از اول داشتند
و حال هم دارند رفقاء ما اگر از صداقت خود تولید
فساد انرا نسبت بدهند بکاغذ (توبه نامه) لکن ما
میدانیم از چه و قروبا چه وسائل سرگرم کار شد مجالس
سری بی دربی و فرستادن یکدسته را با حربه در مجلس
و غیره و بالاخره بلند کردن چادر شقاق در مسجد جمعه
را کویا رفیق ما فراموش کرده که باز فتوی میدهد او را
بدوستی راضی کنند و البته اگر نبود آن پولهای زرد و
کاغذی با هزار توبه نامه از دروازه قدم بیرن نمیکدشت
— باری از مطلب خارج نشویم وزراء باید بهر شکل
است بی درنگ او را علاج نمایند و خاطره های آشفته را
جمع کرده کفایت خود را بروز دهند —

از همه واجبتر مسئله ارومیه است هر چند عمل
یکدیسویون راجع شده لکن نداشتن یک اردوی منظم منظمی
به ازین درائسرحد عظمت و هیبت دولت را تمام میکند
انروز که برای رفع غائله در مجلس جمع شدند وزیر مالیه
تقبل کرد هر قدر پول لازم شود بپردازد امروز باید پول
بدهد و قشون حرکت نندودر مقابل خصم اظهار حیاتی بشود
تا حریف زیاد بخود مفور نکرده و تا کا و و ماهی نبرد
— (مکتوب یکی از اربابان غیرت) —

معین است هر یک از اولیای دولت و وزرای
مملکت اگر ذره شور و طر پرستی و دولتخواهی داشته
باشد در چنین موقع که حال ملت و مملکت تباه و از
شدت فقر و پریشانی روزشان سیاه است ناچار است
بلکه مجبور است که عنوان مذکور شما را معمول بدارد
که خرج را باید کم کرد و وزیر مالیه بملاحظه سابق
الذکر در ادای بعضی وجوهات که ابداً جبهه ملک
و ملت ذره مفید نبود بلکه به اثبات عمید السلطان
شاطرانلوحواله میشد بر حسب تکلیف خود مسامحه مینمود
زیرا که عالم بود بر اینکه گذشته از این مسئله و وزراء
مسئول مجلس و ملت میباشند شخص وزیر مالیه علاوه
بر این مسئولیت و زیری است که شغلا اختصاص بملت
دارد که مالیات مملکت و خزینه ملت بکف کفایت و امانت
او سپرده است در عوض این خدمات معلوم شد که
جبهه او چه اسباب چینی ها نمودند و چه خیالات از
قبیل مجبور نمودن بدادن استعفاء و غیره جهتش فراهم
کردند نمیدانم مسامت بیچاره تا کی باید خواب باشیم
تا کی رو پوشی از خیانت خائنین باید نمود تا کی باید
خادم را مستفی و خائن را برقرار دید تا کی نباید
پرسید که یکنفر معلم روسی بدستباری یکنفر دیگر
عموأم عازیدات و واردات و اجزای یک اداره بزرگ
حریه دولت را بچه جبهه متعلق بخرد کرده و هر نوع

مسکرات و منهدات متهم سازی و تزویر را بنه و راستی را پیش گیر اشتباه کاری تاکی حیل و فریب تاجیه اندازه خدعه و تزویر تاجیه پایه حب ریاست این دنیا ی دنی تاجیه درجه مکر این حدیث شریف را نخوانده ای که میفرماید (بان آدم من اصبح حریمنا علی الدنيا لم یزد من الله الا بعداً و فی الدنيا الا کداً و فی الاخرة الا جهداً و الزم لله تسالی قلبه هما لا یقطع منه ابداً و فی الاقبال غناء ابداً و الا لا یبلغ منه ابداً)

(خانم وطن مهدی قلیخان)

(فوجان)

نوشتهجات و مکاتب متعدده مسمو بهمه عدو ز یادی از اهالی فوجان اداره رسید که شکایت از حکومت خود نموده و از انواع تعدیات خود و کسانش شروع مفصل مرقوم داشته و از بیگفایتی او داستانها سروده اند باینکه در فوجان هم مثل سایر ولایات انجمن تاسیس شده باز حشمت السلطان حاکم با اجزاء مستبد خود مشغول ظلم و قتل و غارت است این ولایت را بچند جزء قسمت و هر قسمتی را بدست یک نفر از کسان خود سپرده متصل در بیابان مشغول جرم گرفتن و تعدی کردن و اسباب چینی برای رعیت هستند واقفاً این قسمت از مملکت را نمیدانیم چه بد بختی عارض شده هنوز علی بک و کد خدا یوسف برای استرداد اسراء خود یکسال و نیم است که در طهرانند و اصلاً آثار خیری در کارشان معلوم نیست ابدی آنجا و وفور نعمت اسباب جلب نظر ارباب طمع شده آئی آنها را آسود نمیکذارند (دشمن طاوس آمد بر او) البته رعیتی که بود درس ندارند حالشان از این بهتر نخواهد بود آصف الدوله بحکومت خراسان رفته اوصاف این ولایت را شنیده اسباب چینی میکند تا میر حسینخان را بد آنجا فرستاده با جوالهای میرزا بول مراجعت نماید مشار الیه هم غیر از مداخل پیدا کردن وقت ندارد لابد ترکمان دودچی و بیوت موقع را مفتهم شمرده برای بردن مال و اسیر به آنجا هجوم میکند سالار مفخم بطمع بردن دخل با آنها همدست میشود — خوب وقتی کسی از آصف الدوله بازخواست نکند که تو کفایت فرزند والا تبار خود را که میدانستی بچه جرئت اورا بچنین حکومت معظمی فرستادی البته شاهزاده رکن الدوله هم که مداخل را دوست دارد او هم نور چشم کا مکار خود را رها نمیکند کیست که ایراد کند یا مؤاخذه نماید حالا هم که انقدر شلوق هست که کسی یاد اسراء فوجانی نیست —

بهر حال صحبت در وضع حکومت بود از قراریکه میگویند رعیت حاضر است جنس دیوان را بعین بدهد حکومت راضی نمیشود خر واری هرچند تومان قیمتش

میخوانید — اگر مسلمانان و خاندان شریعت بمدلول لاحیاء فی الدین بحوزة مسلمین ورود کن و اقامه حجت نما چنانچه موافق قانون عدل هر سلمی حق نظارت در عدالت خانه دارد و شما هم باظمارات خود مبادرت فرمائید تا حق از باطل جدا شود و حقیقت معلوم گردد حامی دینت بخوانم و فضل حق را شامل احوالت ندانم یا نکس که خلقت را از مارج و ناز ساخت و بمکر و شیعت انباشت و در پیشانیت ثبت فرمود الخناس الذی یوسوس فی صدور الناس قسم است که مسلمین از حال تو آگاهند و میرا ندک که قصدت چیست و همدست کی عجبیا که هنوز نمیدانی آن بیمانه را ریختند و رشته عمر مستبدین را کسبختند و زنجیر عدل و داد را آویختند دیگر وطن پرستان بدام تزویر داخل نشوند و بلغمه طعام فریب نخورند بیاسخن ناصحانهم را آویزه کوش کن و زیاد بر این نقشه بر ریشه علما دین وزن تیزیدن این دام تاکی زیرا محبت در کار است و شجعه در بازار است تا این پایه مورث تغریب این مقام منبع مشو بدان و آگاه باش آنانکه در پای مغیبت سینه میزنند و معجز میدرند از اثر کلام تو نیست بلکه از اثر طعام دمت (راست گویم) سگان بازارند کامتخوان از تو دوست دارند (اما از انصاف نمیکند و از طریق حق کوئی تجاوز نمیتمایم زیرا یقین دارم که اگر از کرده خود پشیمان شوی و داخل انجمن کردی انروزی دوست تو مان از کجا رسد و این مخارج گزاف را کی کفایت کند راست است که خانه خرج دارد و عیال نان میخواهد در این مقام (نصیحتی کنمت بشنوو بهانه مکر)

(هر آنچه ناصح شفیق بگوید بپذیر)

زیرا هنوز مملکت ما از عامیان خالی نشده تا از استقلال کاسته شود سبیل کید و شید شباهت همه حاضرند که آنچه بکدیمین و عرق چین تحصیل بینمایند سه قسمت انرا باسم خمس و عشر و کفاره کتاه و صدقه و وصایت ورد مظالم در مقدمت ایثار نمایند و اراده امور را بگردانند بیاصفاکن و بی صفائی را شعار خویش مساز و ایرانی را به تمن بخش مفروش و حیات مسلمین را بمنذ های مشرکین تبدیل فرمای سر راه فساد وای حامی استبداد (از حب ریاست هزاران فریاد) تاکی و تاچند در تخریب دین و تصنیع آئین و تقویت با مشرکین مداومت داری و خون جمعی از بندهکان خدا را مباح میشماری حفظ عرافان خود را بدار و پیش از این تخم نفاق در قلوب مسلمین مکار مجلس شورای ملی متره و میرا از آنستکه نسبت کفر و زندقه باعضاء محترمش دهی و باشاء و محش و اباحه

تصرفات میلی و هوسی از قبیل اخراج فلان و ورود فلان یا نصب بماموریت و عزل از ماموریت را بموجب عیس یا خیال شخصی خود بی اطلاع و زارت جنک که مدتی مسموم بود بجهت دلیل مجزی میدارد و الله بالله اگر در فصول کتبرات شان هم چنین چیزی باشد

بلی همین که يك شخص ملت دوست وطن پرست سوالات مذکور را از اولیای امور مملکت می پرسند جواب میدهند (نقد آ حالا رفع این فقرات مقتضی نیست) مدتی بود که امورات مختل بلکه خراب وضع مملکت مشوش حال ملت تباہ از همه طرفی تهدید اقراض دولت مسموع بجهت دلیل اینکه اهالی در جواب هر يك از این ها يك کلمه منحوسه مذمومسه (بمن چه تو چه) را میگفتند بعضی ها باعث تذکار یا تکرار این کلمه را بی علمی میدانستند و لی بقید بزه باعث هردو خود مستبدین و خائنین بودند که مردم یاد داده بودند حالیه که عیب و نحوست این کلمه معلوم شده و خودش نیز مسموم در بعضی موارد جائزینی پیدا کرده که نقداً حالیه مقتضی نیست پس باید بذاکرین این الفاظ و اشخاصی که فرق مابین قانون مملکتی و مذهبی نمیگذارند فهماید که در هر جائی و هر موردی نباید تذکار نموده و اگر مذاکره شود مثل همان کلمه (بمن چه تو چه) خواهد بود آیا میشود گفت که مقتضی نیست جلو گیری شود از اینکه امروزه که تمام ممالک مشوش و مات در کمال فقر و یخبری قشون اغلب بواجب سه ساله بعضی دوساله و و و طلبکارند و بفوج مراغه حکم شد بروند به ارومیه آنها مطالبه پول و مواجب خود را کردند و هر روزی یکدسته از صاحبان حقوق با اجزای ادارات نظامی و غیره جهت مطالبه حقوق بست می نشینند یا زنها در تلگرافخانه می مانند اسباب شرمندگی نزد خارجه را فراهم میکنند معلم روسی قزاق نباید دوست نفر قزاق را بی جهت برداشته به بردار دوی قصر قاجار در صورتی که ابدأ این اردو لزومی ندارد و یکدیگر بتردد ملت و مملکت نمیخورد جز اینکه معلم روسی در باغ دولتی مشغول کیف و عیش است و مشقی هم جهت خود میکنند جمعیت و دستگاهی هم معلم برای خورد و دور خویش فراهم نموده فقط فایده از تاسیس این اردو معلم روسی میبرد که مبالغ زیادی پول از دولت باسم مخارج اردو بگیرد خراب حالا باید گفت رفع این مسئله مقتضی نیست

یا اینکه میگوئیم دو نفر را که امین و صدیق و متدین باشند خوب است حکماً مامور کنند که در بودجه اداره

قزاق و مردم چگونه مصرف میکنند نظارت کامل نمایند که سالی مبالغ زیاد پول ملت بی جهت بداخل اجانب نشود میشود گفت حالا مقتضی نیست یا اینکه اینروزها بتزگی عده قزاق مامور تبریز شده اند و پول فوق العاده را هنوز نگرفته اند بعد از گرفتن حرکت خواهند کرد خوب است پول فوق العاده این عده را که اگر سی نفر قزاق و چهار نفر صاحب منصب باشد یکساله اش برابر است با مواجب یکساله و جیره یکفوج سراز بیکفوج سراز طلبکار داده آنها را مامور کنند به تبریز که هم سراز پریشان بیچاره حق خود را گرفته باشد و هم اینکه بهتر خدمت خواهند کرد

میشود گفت مقتضی نیست اگر گفته شود که باید مجلس و ملت از دولت با پرسند و بخواهند که چرا کارهای مردم مختل است — ممکن است گفت مقتضی نیست هر گاه ملذت موارد تذکار این کلمه شویم یا اینکه از کسی شنیده قبول نائیم همان حال تولید خواهد شد که در سابق داشتیم

مثل اینکه در اوایل انعقاد مجلس مقدس دانشمندان بهر شکلی بود اصرار داشتند که باید از ایلات بزرگ وکیل مجلس مقدس بطلبند و ایلات کوچک هم به ایلات و انجمن مرکزی خود بفرستند و فواید این مسئله بهیچ عاقلی پوشیده نیست بعضی ها جواب دادند که حالا مقتضی نیست و اقدام نشد حالا ممکن است گفت هر گاه وکیل ایلات در انجمن ها بودند بعضی از عشایر ایران بخاک عثمانی رفته اغتشاش ارومیه نمیشد والسلام

بار الہا رحیما کردکار ما بدندان جهولیم و تو دانا و غیور و از سزایر و مکذوبات بند کانت آگاهی بار خدایا دستور ده که چه طریق پوئیم و غیر از تو کرا جوئیم که آستانش را یوزش نمائیم و نماز گذاریم تا از حرایر ما واقف گردد و از مقاصد حسنه و نیات خالصانه ما مستحضر گردد خدا یا تو دانائی و واقف کار که اعمال و اعمال ما فاسد است از کبر یا تبت تمنا می نمائیم که مجازات ما را بیوم القیام مگذار و انتقام کسی یا از جماعتی که در فکر تخریب این اساس مقدس در این بنیان متین اصرار دارند و این ملت حنیف را راحت و آسوده نمیگذارند جزای اعمال آنها را بده ای خانه برندانان ملت فخریم و ای ساکنان زاویه حضرت عبدالمظلم وای محرومین از جنات نیم وای منحرف شده کان از شرایط مستقیم ابواب مکر و حینه را تاکی و تا چند کشوده دارد و عوام کالاً تمام را برای ضلالت میکشایند و بجماعتی از مؤمنین و موحدین و حافظین حقوق مسلمین افترا میزیند و بیبی و طبیعی

را مطالبه مینماید در حالیکه قرار مجلس گرفتن عین و موقوف بودن تعمیر است ؟؟ در کابینه خود بسیارار وضع سلوک میرزا ابوالقاسم خان ستوی حکم سابق تمجید میکنند معلوم میشود مستوفی هم اگر دامان همت بر کمر بزند و دندان طمع ا بکند خوب میتواند حکومت کند چنانکه از وضع حکومت ملایرش نیز تعریف میکنند باری امید داریم اولیا امور جمهور نظر عنایتی بطرف اهالی موجدان فرموده مگر فرجی برای آنها میسر شود -

(اخبار شهری)

(ورود مسعود)

جناب احتشام الساطنه وکیل محترم مجلس مقدس شورا ملی که از اعظام وطن پرستان غیور است به بارگن و میمنت بعد از دو سال تقریباً معطلی در سرحد عنعنه در دوروز قبل چشم همه ملت را روشن نمود. وارد دارالخلافه گردید فی الحقیقه در این موقع برای مجلس مقدس وجود چنین عضو معظی نهایت ضرورت و لزوم را داشت امیدواریم مجلس را بقدم این مرد بزرگ رونقی تازه حاصل شود -

(استفتاء)

جناب صنیع الدوله از روز یکشنبه گذشته ۲۲ رجب از تغل خطیر ریاست مجلس مقدس استفتاء داده و قلابه این امر خطیر و مسؤولیت عمده را از گردن خود برداشته اکنون در مجلس عنانی صحبتی از این مسئله بمیان نیامده ماوم نیست استفتاء ایشان قبول خواهد شد یا نه و بر فرض قبول ثانیاً کرا بر ریاست انتخاب خواهند کرد احتمال میدهد قبول نکنند یا ثانیاً ایشان را مجدداً انتخاب نمایند ولی کویا خود صنیع الدوله در کنار گردن از ریاست مصراست و از عهد خود خارج میداند

جنازه میرزا علی اصغر خان تالک رادشبه دوشنبه گذشته دو سه ساعت از شب مزبور گذشته با توپیل بطرف حضرت معصومه هم حرکت دادند که در آنجا دفن نمایند - روز دوشنبه هم مجلس ختم رسمی نبود لکن طبقات حلق برای فاتحه در خانه شهریش مبرفتند و کلاء مجلس نیز با اتفاق بدانجا رفته مراسم فاتحه بعمل آوردند -

(مکتوب از کرمان مابل نوجه مجلس مقدس)

البته در این اوقات که یکدهم قلب ماهیت ایران شده عموم خاق از نفس های آهنین استبداد نجات یافته از انطرف مستبدین یکدهم با ان استیلا مقطوع الیه شده است از طرفی صاحبان تیول در شهر ها مبتلا بدانند گندم و وا کذا هتن تیولات شده آیا برای حکومت در همچو موقعی چه قدر مشکل است که باید همراه راضی

دارد و از ضابط جلو گیری فرماید تا راج نمایند اگر تا راج کرده باشند رعایا را خاموش نمایند اشهد با لله بصرت الدوله با وجود عنفوان شباب بجبهه جلب نیک نامی در اول خدمت بدولت بقدری در این خدمت حلم و ملایمت و مردم داری بخرج داده اند که امروز با وجودیکه دولت حکم فرموده از کران حرکت نمایند تمام اهالی پریشان شده بتلکرای خانه رفته از مجلس مقدس استدعای سر پرستی ایشان را نموده الحاق در این موقع رفتن حکومت باعث خسارت فوق العاده دولت و ملت و تمویق بقایای مالیات و عدم امنیت طرق و خرابی نان و سایر اجناس خواهد شد خدا کند وکلای ملت و امنای دولت ملتت این نکات شده امر بتوقف ایشان فرمایند خدا میداند در این موقع مطلقاً صلاح و صرفه ملت و دولت نیست تلکرافات و شکایات جزئیة مطلقاً اهمیت نداشته حکومت جوهر تمنن و تهذیب و انسانیت و محبت مشروطه خواه است کم خرج بی طمع ملایم مهر بان برای رعایای فقیر ثرمان بهتر از ایشان ممکن نیست تمام اشخاصیکه شکایت از انتخابات داشتند تا لکرا خانه رفته بودند حالا همگی تلکرافی و عریضه تشریف داشتن حکومت را مهیا میباشند و از رفتن ایشان غبطه میخورند و افسوس دارند فی الحقیقه رشته انتظام عموم کرمان و بلوچستان گسیخته خواهد شد والسلام

اخبار تلکرافی خارجه

با وجود شکایت و فریاد اهالی مجلسیان استرالیا رای دادند که مقرری هر یک از اعضای مجلس سالی ششصد لیبره بوده باشد

در مجلس ملی انگلیس مسوده مربوط برای آهن ممالک ترژی شمالی دهمه ثانی قرائت شد چرچیل اظهار نمود که امتداد این راه از وسایل تسهیل مرابطه بین ممالک انگلیس از خشکی و دریا و فراید دیگر از باب فلاح و تجارت خواهد بود چنانچه بمقیده صاحبان بصیرت ولایات شمالی ترژی از بهترین مزارع پنبه عالم محسوب خواهد شد

اعلی حضرت سلطان رمانی هشت هزار نفر از مقصرین که در شورش عظیم رومانیاء محبوس شده بودند عفو فرموده و مرخص کرده اند

مسبو کابون بر حسب دعوت وارد عمارت بیلابی پرنس بلف کردید

طرن پستی فرانسه که بین پاریس و بردو سیر مینموده با طرن بارکش تصادف نموده و از اثر این سانحه هفت نفر تلف و سی نفر مجروح شده اند بموجب خبر روزگر از کامبالانکا تشون اسپانیول

— (اعلان) —

کتاب مستطاب رومان مروی حاجی بابائی
اصفهانى که بهترین کتب رومان تاریخی است و برای
نشان دادن عادات و اخلاق و احوالات ایرانیان و اوضاع
زندگانی و سایر امور آنها از این کتاب بهتر و نیکوتر
یافت نمی‌شود. با عبارات ضایع و ساده خالی از اغلاطات
عبارتی بطوریکه همه کس از آن منتفع گردد و خوانم
و عوام را بکار آید در دو جلد بطبع رسیده و دارای
صور و نقاشیهای قشنگ که گراور شده است تقریباً
دو جلدش بود صورت و شکل دارد مجملاً مطالعه این
کتاب همه کس را لازم و برای بصیرت بر حقایق احوال
ایران و ایرانیان متحتم است

و هر کس درست از این بدقت بخواند از اهمیت آن
کتاب وقف میشود فعلاً هر دو جلدش ضحافی کرده و
مجلد شده در اداره جیل المتین طهران برای فروش
حاضر است طالبین بدانجا رجوع نمایند

— (اعلان) —

د کتر استقامت حکیم مخصوص دند نازی اعلیحضرت
همایونی در خیابان علاء الدوله رو بروی خانه امیر نظام
کارخانه دند ناسازی خیلی ممتاز و مکمل باز نموده و قبول
می نماید همه جور ناخوشیهای دندان را ملاحظه نماید طرز سبک
امریکائی همه روزه صبح از ساعت هشت الی دوازده و یکمی و بعد از
ظهر از ساعت دو الی شش فزنی در محل معروض
برای رجوع کنندگان حاضر است

— (اعلان) —

کتاب دیوان سر خوش که مقبول ارباب ذوق و
مطبوع اصحاب هنر و کمال و اشعار آبرارش زینت از
دل و غم از خطر میریاید بزرگی در هندوستان در
مطبعه حروفی بوضعی پاکیزه و اساوینی ظریف بطبع
رسیده است

همچنین کتاب مکالمه سیاح ایرانی و هندی که کتابی
است نفیس مشتمل بر مطالب عالیه پلیدی و تاریخی و
جغرافیائی و برای اطلاع بر جزئیات و کلیات مملکت هند
و ایران نهایت مطالعه آن مفید است بتاریکی بوضعی مرغوب
بطبع رسیده این دو کتاب برای فروش در طهران در
اداره روزنامه یومیه جیل المتین موجود است هر کس
طالب باشد بدانجا رجوع نماید

اعلان

(از طرف انجمن آذربایجان)

بصوم اعضاء محترم آذربایجان اعلام میشود از
روز سه شنبه ۲۴ ماه هر روز سه ساعت بیروپ مانده در
انجمن حاضر شوند که در بعضی مطالب لازمه مذاکره میشود
(حسن الحسینی لکهنائی)

از شهر خارج شده و عازم اند که محل مناسبی بجهة
اردو و زدن مینویس نماید اگر چه دیگر بشهر مراجعت
نخواهند نمود ولی کما کان در همراهی و مساعدت قشون
فرانسه خواهند کوشید کمک چرید با آذوقه و لوازم
بجهة قشون فرانسه رسیده است

وزرای خارجه اطریش و ایتالیا وارد شهر ایشل
شده و اعلیحضرت امپراطور اطریش و وزیر خارجه ایتالیا
را با نهایت مرحمت پذیرفته اند

بنا بر تکران واصله از اسلامبول از طرف دولت
عثمانی کیستون مخصوص که مشتمل بر امن بیک و
یک نفر ناموز مخصوص از طرف وزارت عدلیه و دو
سرتیپ مأمور گردیده که بر سرحد بین عثمانی و ایران
رقعه تحقیقات لازم در وقایع جدیده بعمل بیاورند

از لندن از قرار خبر اخیر از آن تصاویر طرف
فرانسه دوازده نفر تکت شدند چنانچه سابق ذکر شد
مولوی حافظ برادر سلطان از قبول تاج و تخت که
جمعی از اهالی شهر مراکش باو تکلیف کرده بودند
و امتناع نموده بود ولی فعلاً فیسابل و طوایف
جنوبی منظمه را مجبور بقبولی این امر و جلوس بخت
سلطنت نموده مظهر له عسره از وزراء را معین و منتخب
فرمودند که بر تق و فقی امور پردازند ولی معروف است
که قبولی این مقام منیع فقط موقتاً میباشد و مقصود این
است که عاجلاً طوایف و قبایل را ساکت و منظم نمایند
کنکره سوسیالیتهای در آموذکات ختم گردید قبل
از اختتام اعضاء متفقاً رای دادند که اقدامات نظامی و
جنگی کلیتاً خلای انسانیت و تربیت است و مخصوصاً
پروکت سحتی بر ضد قشون کشی دولت منظمه در مراکش
نموده اند

وقایع نگار طیمس از پترزبرگ مینویسد که مذاکرات
پلتیسکی بین دولتین انگلیس و روس در کمال خردی و
سزعت پیش میرود در دوائر صاحبان اطلاع و بصیرت
ظن غالب بر آنست که بعضی حقوق امتیازات از طرف
دولت انگلیس دولت روس داده شده باعث تولد مذاکرات
و خوردن کشمیرهای بسیار بین سیاسیون هندوستان
خواهد بود

(اعلان)

ژنرال بزرگی در رد مقالات حاج شیخ فضل الله مفصل
و مبسوط در ۲۸ صفحه ربمی بطبع رسیده بهترین مقالاتی
است که تاکنون در این خصوص نوشته شده و مطالعه آن
برای عموم ملت مخصوص عوام نهایت نافع و مفید است
در همه کتابخانهها برای فروش حاضر است و دوره
فروشان نیز دارند قیمت هفت شاهی